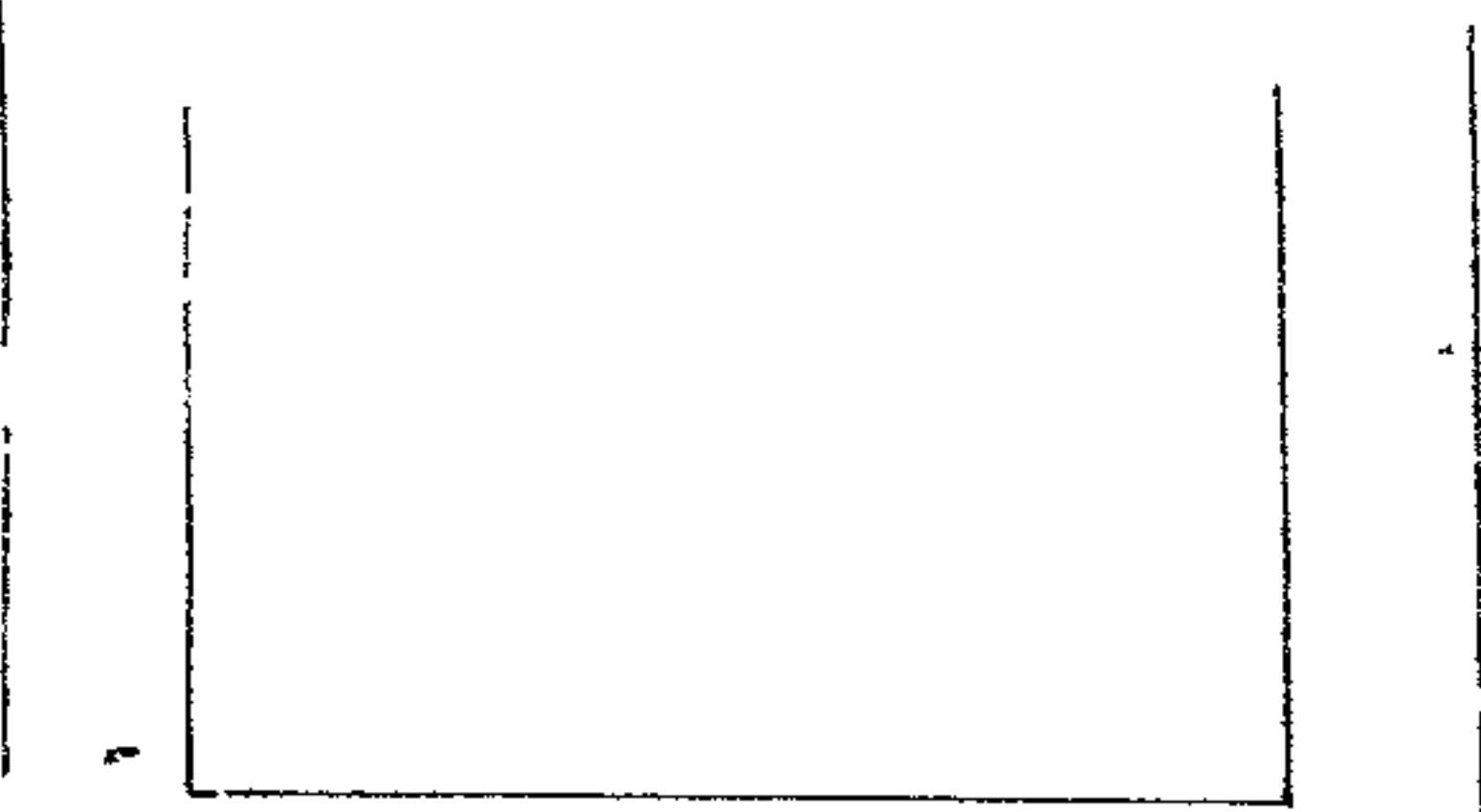


کتاب تہا ملکیت خواجه زور اور علیٰ است اگر کد امی کس دعا کند

وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ



مصطفیٰ مصطفیٰ محمد مصطفیٰ
مصطفیٰ مصطفیٰ محمد مصطفیٰ



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

در بیان عقاید و اصول دین در اصطلاح
 ساکنان تخلص از آن کاتب
 بجز حق آشفت لغات
 مکتب بالفتح صفت و صفت
 کردن انتخاب لغات
 استظفی انظر و الف مقصود
 از لغات و کتب و کتب
 و کتب و کتب و کتب

گویم نویسد خداوند بر این مکتب

در بیان عقاید و اصول دین در اصطلاح
 ساکنان تخلص از آن کاتب
 بجز حق آشفت لغات
 مکتب بالفتح صفت و صفت
 کردن انتخاب لغات
 استظفی انظر و الف مقصود
 از لغات و کتب و کتب
 و کتب و کتب و کتب

این باب در بیان مقصود و احوال

در بیان عقاید و اصول دین در اصطلاح
 ساکنان تخلص از آن کاتب
 بجز حق آشفت لغات
 مکتب بالفتح صفت و صفت
 کردن انتخاب لغات
 استظفی انظر و الف مقصود
 از لغات و کتب و کتب
 و کتب و کتب و کتب

فَاعِلٌ كَلِمَةُ اِتِّصَالٍ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

در بیان عقاید و اصول دین در اصطلاح
 ساکنان تخلص از آن کاتب
 بجز حق آشفت لغات
 مکتب بالفتح صفت و صفت
 کردن انتخاب لغات
 استظفی انظر و الف مقصود
 از لغات و کتب و کتب
 و کتب و کتب و کتب

طرح و در این کتاب
 در بیان عقاید و اصول دین در اصطلاح
 ساکنان تخلص از آن کاتب
 بجز حق آشفت لغات
 مکتب بالفتح صفت و صفت
 کردن انتخاب لغات
 استظفی انظر و الف مقصود
 از لغات و کتب و کتب
 و کتب و کتب و کتب

عربی که در این کتاب
 و جملا و کلام و بعضی از این کتاب
 برای نقل کتب کهنه مناسب
 ای صبا بر کتبهای مختلف
 پس از قبیل این الف از آمدن
 و همین بیت در مثال آورده
 در این صفت تا افسوس که
 رفیق مانت کسی در خطابه

مفعول زائد حسن نسبت لقب مذکر نه	
مفعول زائد حسن نسبت لقب مذکر نه	چون که در این کتاب و جملا و کلام و بعضی از این کتاب برای نقل کتب کهنه مناسب ای صبا بر کتبهای مختلف پس از قبیل این الف از آمدن و همین بیت در مثال آورده در این صفت تا افسوس که رفیق مانت کسی در خطابه
صفت اسم از نمون جمع عطف و شکل	چون که در این کتاب و جملا و کلام و بعضی از این کتاب برای نقل کتب کهنه مناسب ای صبا بر کتبهای مختلف پس از قبیل این الف از آمدن و همین بیت در مثال آورده در این صفت تا افسوس که رفیق مانت کسی در خطابه
مبدل بحرف چار دال و او یا من بعد	چون که در این کتاب و جملا و کلام و بعضی از این کتاب برای نقل کتب کهنه مناسب ای صبا بر کتبهای مختلف پس از قبیل این الف از آمدن و همین بیت در مثال آورده در این صفت تا افسوس که رفیق مانت کسی در خطابه
مع با وجود آغاز از سر عدری بحریه در	چون که در این کتاب و جملا و کلام و بعضی از این کتاب برای نقل کتب کهنه مناسب ای صبا بر کتبهای مختلف پس از قبیل این الف از آمدن و همین بیت در مثال آورده در این صفت تا افسوس که رفیق مانت کسی در خطابه
زاید نظایر در حق را تریب و سبب	چون که در این کتاب و جملا و کلام و بعضی از این کتاب برای نقل کتب کهنه مناسب ای صبا بر کتبهای مختلف پس از قبیل این الف از آمدن و همین بیت در مثال آورده در این صفت تا افسوس که رفیق مانت کسی در خطابه

در این کتاب که در این کتاب
 و جملا و کلام و بعضی از این کتاب
 برای نقل کتب کهنه مناسب
 ای صبا بر کتبهای مختلف
 پس از قبیل این الف از آمدن
 و همین بیت در مثال آورده
 در این صفت تا افسوس که
 رفیق مانت کسی در خطابه

عربی که در این کتاب
 و جملا و کلام و بعضی از این کتاب
 برای نقل کتب کهنه مناسب
 ای صبا بر کتبهای مختلف
 پس از قبیل این الف از آمدن
 و همین بیت در مثال آورده
 در این صفت تا افسوس که
 رفیق مانت کسی در خطابه

۱۷۸۸

<p>بدله قسمین استعانت حمد بعدش اسم با</p>	<p><i>Handwritten notes in the top section, including phrases like 'بسم الله الرحمن الرحيم' and 'الحمد لله رب العالمين'.</i></p>
<p>مع با وجود عطف شور او تقابل باز ما</p>	<p><i>Handwritten notes in the middle section, discussing the relationship between 'شور' and 'تقابل'.</i></p>
<p>ز بهار تبیبه و عدد و تعلیق و شرط و انبها</p>	<p><i>Handwritten notes in the lower middle section, mentioning 'تعلیق' and 'شرط'.</i></p>
<p>رابط اختصار علت خود و اتم میان تا ارباب</p>	<p><i>Handwritten notes in the lower section, discussing 'رابط' and 'اختصار'.</i></p>
<p>مفعول زانداش و دیگر خطابهای موش شمال</p>	<p><i>Handwritten notes in the bottom section, mentioning 'مفعول' and 'موش'.</i></p>

Large vertical handwritten notes on the right side of the page, providing commentary on the text in the table. It includes phrases like 'بسم الله الرحمن الرحيم' and 'الحمد لله رب العالمين'.

این قسم و نو پندم تر ز کرده گمانی کسی به یک صید بر سود زمانی بر نشی

کلمه استغفار
 این کلمه را در هر روز صد بار بخواند
 بر او در روز قیامت صد بار باران رحمت
 نازل شود و او را از آتش جهنم
 نگاهدارد و او را بهشت
 عظیمی بخشد

مانند دیگر تخت کاغذ بدل با جسیم و دال	
این کلمه را در هر روز صد بار بخواند بر او در روز قیامت صد بار باران رحمت نازل شود و او را از آتش جهنم نگاهدارد و او را بهشت عظیمی بخشد	
تعمیر و تحفیر علیه شش اجمال خیر هر چه پسر	
این کلمه را در هر روز صد بار بخواند بر او در روز قیامت صد بار باران رحمت نازل شود و او را از آتش جهنم نگاهدارد و او را بهشت عظیمی بخشد	
تفصیل تصغیر و تساوی آرزو حیرت و دلا	
این کلمه را در هر روز صد بار بخواند بر او در روز قیامت صد بار باران رحمت نازل شود و او را از آتش جهنم نگاهدارد و او را بهشت عظیمی بخشد	
مفعول کنه فی بر اضافه از جانب بر	
این کلمه را در هر روز صد بار بخواند بر او در روز قیامت صد بار باران رحمت نازل شود و او را از آتش جهنم نگاهدارد و او را بهشت عظیمی بخشد	
ز امر زادن فاعل و مفعول باشد همچو خاشی	

کلمه استغفار
 این کلمه را در هر روز صد بار بخواند
 بر او در روز قیامت صد بار باران رحمت
 نازل شود و او را از آتش جهنم
 نگاهدارد و او را بهشت
 عظیمی بخشد

در بیان و آید از آمد مجاوز بعض و شین
 مصدر امانت ز آمد و مقول و خود شریکین
 تشبیه عطف تشبیه بیان کل ز آمد هم و عا
 صغیر و کثیر مرگ کس معترضه و عطف کس

کلام و غیر از این و در آنجا
 در بیان و آید از آمد مجاوز بعض و شین
 مصدر امانت ز آمد و مقول و خود شریکین
 تشبیه عطف تشبیه بیان کل ز آمد هم و عا
 صغیر و کثیر مرگ کس معترضه و عطف کس

علت بیان و آید از آمد مجاوز بعض و شین

در بیان و آید از آمد مجاوز بعض و شین
 مصدر امانت ز آمد و مقول و خود شریکین
 تشبیه عطف تشبیه بیان کل ز آمد هم و عا
 صغیر و کثیر مرگ کس معترضه و عطف کس

مصدر امانت ز آمد و مقول و خود شریکین

تشبیه عطف تشبیه بیان کل ز آمد هم و عا
 صغیر و کثیر مرگ کس معترضه و عطف کس

تشبیه عطف تشبیه بیان کل ز آمد هم و عا

صغیر و کثیر مرگ کس معترضه و عطف کس

صغیر و کثیر مرگ کس معترضه و عطف کس

صغیر و کثیر مرگ کس معترضه و عطف کس

صغیر و کثیر مرگ کس معترضه و عطف کس

در بیان و آید از آمد مجاوز بعض و شین
 مصدر امانت ز آمد و مقول و خود شریکین
 تشبیه عطف تشبیه بیان کل ز آمد هم و عا
 صغیر و کثیر مرگ کس معترضه و عطف کس

از تیره مجرای سینه به تریچه ریه در مجرای ریه می کشند و به مجرای ریه می کشند
 در مجرای ریه در مجرای ریه در مجرای ریه در مجرای ریه در مجرای ریه در مجرای ریه
 در مجرای ریه در مجرای ریه در مجرای ریه در مجرای ریه در مجرای ریه در مجرای ریه

زائده تعابلی سببه حال عطف و لزوم ایشامام یا

در این باب در این باب در این باب در این باب در این باب در این باب
 در این باب در این باب در این باب در این باب در این باب در این باب
 در این باب در این باب در این باب در این باب در این باب در این باب

تحقیق معدوله است و تدبیر و توسل ای قتا

در کلام معدوله است و تدبیر و توسل ای قتا
 در کلام معدوله است و تدبیر و توسل ای قتا
 در کلام معدوله است و تدبیر و توسل ای قتا

مفعول فاعل شبهه بوقف استم ثبات عطفان

مفعول فاعل شبهه بوقف استم ثبات عطفان
 مفعول فاعل شبهه بوقف استم ثبات عطفان
 مفعول فاعل شبهه بوقف استم ثبات عطفان

زائده تعیین ثبات اضافی حال مصدر شبهه خوان

زائده تعیین ثبات اضافی حال مصدر شبهه خوان
 زائده تعیین ثبات اضافی حال مصدر شبهه خوان
 زائده تعیین ثبات اضافی حال مصدر شبهه خوان

مصدر کلام سببه فاعل و حده مفعول و خطاب

مصدر کلام سببه فاعل و حده مفعول و خطاب
 مصدر کلام سببه فاعل و حده مفعول و خطاب
 مصدر کلام سببه فاعل و حده مفعول و خطاب

در این باب در این باب در این باب در این باب در این باب در این باب
 در این باب در این باب در این باب در این باب در این باب در این باب
 در این باب در این باب در این باب در این باب در این باب در این باب
 در این باب در این باب در این باب در این باب در این باب در این باب
 در این باب در این باب در این باب در این باب در این باب در این باب

در این باب در این باب در این باب در این باب در این باب در این باب
 در این باب در این باب در این باب در این باب در این باب در این باب
 در این باب در این باب در این باب در این باب در این باب در این باب

کتابخانه ملی افغانستان - کابل
 شماره ثبت: ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰
 تاریخ ثبت: ۱۳۰۰/۰۱/۰۱

گین ناگ کین پرین و مملو و ششون ای جوان

بهرین کین پرین و مملو و ششون ای جوان
 کین ناگ کین پرین و مملو و ششون ای جوان
 کین ناگ کین پرین و مملو و ششون ای جوان

ایا کجا کی کاج چه بو کاشش دیگر کاشکی

ایا کجا کی کاج چه بو کاشش دیگر کاشکی
 ایا کجا کی کاج چه بو کاشش دیگر کاشکی
 ایا کجا کی کاج چه بو کاشش دیگر کاشکی

اکاه بکش یاد بادیان بن لابی بشکی

اکاه بکش یاد بادیان بن لابی بشکی
 اکاه بکش یاد بادیان بن لابی بشکی
 اکاه بکش یاد بادیان بن لابی بشکی

چون کی کجا ایا که آیین کبست که چند و گم ام

چون کی کجا ایا که آیین کبست که چند و گم ام
 چون کی کجا ایا که آیین کبست که چند و گم ام
 چون کی کجا ایا که آیین کبست که چند و گم ام

چه چیست که پس است استفهام آه قسم نام

چه چیست که پس است استفهام آه قسم نام
 چه چیست که پس است استفهام آه قسم نام
 چه چیست که پس است استفهام آه قسم نام

گین ناگ کین پرین و مملو و ششون ای جوان
 ایا کجا کی کاج چه بو کاشش دیگر کاشکی
 اکاه بکش یاد بادیان بن لابی بشکی
 چون کی کجا ایا که آیین کبست که چند و گم ام
 چه چیست که پس است استفهام آه قسم نام

بهرین کین پرین و مملو و ششون ای جوان
 کین ناگ کین پرین و مملو و ششون ای جوان
 ایا کجا کی کاج چه بو کاشش دیگر کاشکی
 اکاه بکش یاد بادیان بن لابی بشکی
 چون کی کجا ایا که آیین کبست که چند و گم ام
 چه چیست که پس است استفهام آه قسم نام

انکاری و تقریری استخاری آندای جوان

کس که در میان سپیدی
کس که در میان سپیدی
کس که در میان سپیدی
کس که در میان سپیدی
کس که در میان سپیدی
کس که در میان سپیدی
کس که در میان سپیدی
کس که در میان سپیدی
کس که در میان سپیدی
کس که در میان سپیدی

بشمار هر یک را مثال از معنیهای کاملان

چون چو آرزو کرچه اگر چه
چون چو آرزو کرچه اگر چه
چون چو آرزو کرچه اگر چه
چون چو آرزو کرچه اگر چه
چون چو آرزو کرچه اگر چه
چون چو آرزو کرچه اگر چه
چون چو آرزو کرچه اگر چه
چون چو آرزو کرچه اگر چه
چون چو آرزو کرچه اگر چه
چون چو آرزو کرچه اگر چه

چون چو آرزو کرچه اگر چه

چون چو آرزو کرچه اگر چه
چون چو آرزو کرچه اگر چه
چون چو آرزو کرچه اگر چه
چون چو آرزو کرچه اگر چه
چون چو آرزو کرچه اگر چه
چون چو آرزو کرچه اگر چه
چون چو آرزو کرچه اگر چه
چون چو آرزو کرچه اگر چه
چون چو آرزو کرچه اگر چه
چون چو آرزو کرچه اگر چه

اگر چه است پس کلمات استراک گو

اگر چه است پس کلمات استراک گو
اگر چه است پس کلمات استراک گو
اگر چه است پس کلمات استراک گو
اگر چه است پس کلمات استراک گو
اگر چه است پس کلمات استراک گو
اگر چه است پس کلمات استراک گو
اگر چه است پس کلمات استراک گو
اگر چه است پس کلمات استراک گو
اگر چه است پس کلمات استراک گو
اگر چه است پس کلمات استراک گو

لیکن مگر لکن ولی اما و لیکن لیکن جوان

چون چو آرزو کرچه

اگر چه است پس کلمات

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلاة والسلام على
 سيدنا محمد وآله
 وبعد
 فإني أفتيكم
 بوجوب
 الصلاة
 والصدقة
 والحج
 والعمرة
 على من
 استطاع
 منكم
 والله
 أعلم
 بالصواب
 ١٢

<p>آری نعم بان و بلی الفاظ ایجابی جوان</p>	<p>بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله وبعد فإني أفتيكم بوجوب الصلاة والصدقة والحج والعمرة على من استطاع منكم والله أعلم بالصواب ١٢</p>
<p>بان زه زه بی سخ سخ زه بی است یک جدا</p>	<p>بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله وبعد فإني أفتيكم بوجوب الصلاة والصدقة والحج والعمرة على من استطاع منكم والله أعلم بالصواب ١٢</p>
<p>شبابش شبن بشکن وده بلی و مر حبا</p>	<p>بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله وبعد فإني أفتيكم بوجوب الصلاة والصدقة والحج والعمرة على من استطاع منكم والله أعلم بالصواب ١٢</p>
<p>الا ورا عه و سو ابرون مگر حبس بدون</p>	<p>بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله وبعد فإني أفتيكم بوجوب الصلاة والصدقة والحج والعمرة على من استطاع منكم والله أعلم بالصواب ١٢</p>
<p>ان انه ویه ارکاک بن بویه نسبت چونان</p>	<p>بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله وبعد فإني أفتيكم بوجوب الصلاة والصدقة والحج والعمرة على من استطاع منكم والله أعلم بالصواب ١٢</p>

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 والصلاة والسلام على
 سيدنا محمد وآله
 وبعد
 فإني أفتيكم
 بوجوب
 الصلاة
 والصدقة
 والحج
 والعمرة
 على من
 استطاع
 منكم
 والله
 أعلم
 بالصواب
 ١٢

	تصغیر چه کاف ویره آور خدا و مست و کار
<p>مست و کار تصغیر چه کاف ویره آور خدا مست و کار</p>	<p>تصغیر چه کاف ویره آور خدا مست و کار</p>
شایستگی دارنده گان دارنده بان و وان و آرد	
<p>شایستگی دارنده گان دارنده بان و وان و آرد</p>	<p>شایستگی دارنده گان دارنده بان و وان و آرد</p>
که و او در و سیا کن و ما قبل او ضم بود	
<p>که و او در و سیا کن و ما قبل او ضم بود</p>	<p>که و او در و سیا کن و ما قبل او ضم بود</p>
علت از بر از بر که زیرا جر که می شود	
<p>علت از بر از بر که زیرا جر که می شود</p>	<p>علت از بر از بر که زیرا جر که می شود</p>
در معنی شایسته بود تحقیق و استثنای مگر	

تصغیر چه کاف ویره آور خدا و مست و کار
شایستگی دارنده گان دارنده بان و وان و آرد
که و او در و سیا کن و ما قبل او ضم بود

شایستگی دارنده گان دارنده بان و وان و آرد
علت از بر از بر که زیرا جر که می شود

در معنی شایسته بود تحقیق و استثنای مگر

گفتنی و گوی گوشت پشدری و گوشت دیگر

گفتنی گوشت پشدری گوشت دیگر گوشت کبوتر گوشت بوقلمون گوشت مرغ گوشت کبک گوشت خرگوش گوشت گاو گوشت گاوچران گوشت سگ گوشت خوک گوشت گراز گوشت روباه گوشت زرافه گوشت شتر

مفعول پنج آمد بدان مطلق لشمع فی و

مفعول پنج آمد بدان مطلق لشمع فی و مفعول پنج آمد بدان مطلق لشمع فی و مفعول پنج آمد بدان مطلق لشمع فی و مفعول پنج آمد بدان مطلق لشمع فی و مفعول پنج آمد بدان مطلق لشمع فی و

در انا مشال جمله را در گوشه جانبی جای ده

الحمد لله رب العالمین
که کتاب اقاوت انساب متانت کتاب النوسوم به شرح الحروف با لوف
فوائد مخفوف به بیت السلطنت لکهنو محله محو و تکریر کبری سوازه بنیاری کل را
مطبع مصطفائی محمد مصطفی خان ولد حاجی محمد شاکر خان جوهر بنیاری شهر
محرمت برکات ۱۰۰۰ هـ ۱۲۵۰ شمسی ۱۹۳۱ م فی بیروت مطبع شده است فی القیاس

گوشت پشدری

گوشت کبوتر

گوشت مرغ

گوشت کبک

گوشت خرگوش

گوشت گاو

گوشت گاوچران

گوشت سگ گوشت خوک گوشت گراز گوشت روباه گوشت زرافه گوشت شتر

۱۳۰۰

عزل

غلام نگرس مست تو تا جدا نیست
 گذر یکن چو صبا برفش نه در بین
 نه من بران کل عارض غزل مرا نیم و نه
 ترا حیا و مرا آب بده شد عاز
 بزیر زلف و تا چون گذر کنی بنگر
 تو و سنگی شوای خضری نخت که من
 ز نقش چهره عشاق میتوان بین
 نصیب ماست بهشت آینه اشنا سر
 برو بیکده و چهره ارغوانی کن
 خلاص حافظ از آن لف تا باد مباد

خراب باوه فعل تو پوش رهند
 که از نظا و نزل : سوگواری
 که عند لیب از هر طرف بر آید
 و گرنه عاشق و معشوق را زود آید
 که از عین بسیارت چه مقیر آید
 پیاده میرودم و همزمان سواری
 که ساکنان در دست خاکسار آید
 که استحق کرامت گنا بکار آید
 مرو بصومعه گانجا سیاه کار آید
 که بستگان بکند تور استگار آید

ایضا

گفتم که خطا کردی تدبیر نه این بود
 گفتم که بسی خطا بر تو کشیدند
 گفتم که قرین بدت نقتند بدین روز
 گفتم که بسی جام طرخی دی ازین پیش
 که تم که تو ای عمر جز از و درستی
 گفتم ز من ای ماه چرا مهر بریدی
 گفتم که بوقت سفرت بود چه رفتی

گفتا چه توان کرد چو نقد بر چنین بود
 گفتا همه آن بود که در لوح چنین بود
 گفتا که مرا بخت بد خویش قرین بود
 گفتا که شفا در قرح باز پسین بود
 گفتا که فلانی چکنم عمر همین بود
 گفتا که با من بد مهر کین بود
 که ...

گفتم که ز حافظ بچه بخت شد
 گفتا که همه وقت مراد قیام این بود